



## واکاوی کارکرد مادی و معنوی انکیزیسیون در اروپا

معصومه ستوده آران‌ی

### چکیده

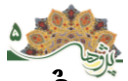
انکیزیسیون یک راه برون رفت و پاسخ سیاسی در پشت پرده برای نظام پایی کلیسا در بحران فرهنگی و دینی اروپا محسوب می شد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای کارکرد مادی و معنوی این جریان را مورد واکاوی قرار داد و سرانجام مشخص شد اشراف یهود به بهانه‌ی دین مسیحیت دادگاه‌های تفتیش عقاید را به عنوان مشتمل درشت کلیسا برپا کردند تا در تاریخ مظلومیت خود را نشان داده و در این میان اهداف سیاسی و دینی خود را با مبارزه‌ی اسلام و مسلمانان دنبال کنند که در درجه‌ی اول در بند کشیدن مسلمانان در اندلس و سپس نابود ساختن اسلام در جنوب اروپا و منحل کردن مسلمانان اروپایی در جامعه‌ی مسیحی بود. پس در حقیقت انکیزیسیون سلاح قدرت کلیسا برای سرکوب اندیشه، آزادی عقیده بود و به رکود علم در قرون وسطی منجر شد.

واژگان کلیدی: قرون وسطی اروپا، انکیزیسیون، مسیحیت،

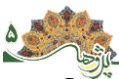
مسلمانان، بدعت‌گذاری، سلب آزادی و تفکر.

## طرح مسأله

نوشتار حاضر، کارکرد مادی و معنوی جریان انکیزیسیون برای کلیسا در اروپا را مورد بررسی قرار می‌دهد تا اساساً به انگیزه و اهداف ایجاد دستگاه تفتیش عقاید دست یابد و این‌که آیا انکیزیسیون دستاورد و نتایجی را هم به دنبال داشت؟ انکیزیسیون یا تفتیش عقاید تنها کلمه‌ای است که آکنده از هول، هراس، شکنجه‌ی روحی، تجاوز به شخصیت و آزار بدنی است؛ آثار ادبی ارز شمندی هم در ترسیم این تصویر وجود دارد که شاهکارهایی نظیر چاه و اونگ نوشته‌ی ادگار پو و کيفر امید نوشته‌ی ویلیه دو لیسئل — آدام، از آن جمله است. (تستا، ۱۳۷۹، ص ۷) جریان انکیزیسیون که در حقیقت هم تفتیش عقیده بوده است و هم تحمیل عقیده، یک مسأله تاریخی دامنه‌دارتر و دقیق‌تر از این‌ها به لحاظ مذهبی و اجتماعی و سیاسی است و از جهات عدیده‌ای قابل توجه و تحقیق بوده که حقایق زیادی را در زمینه‌های دین شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی روشن می‌سازد و نمی‌توان آن را به عنوان یک موضوع مذهبی کم‌ارزش متعلق به گذشته‌ی دور در اروپا و منتفی‌شده‌ی تاریخ تلقی کرد. (بازرگان، ۱۳۶۲، ص ۲۵) شیطان همگام با مسیحیت به قاره‌ی اروپا قدم نهاد و تحت لوای او بود که دیو و غفریته‌های پرشماری گرد هم آمدند. در ابتدا از قرن یازدهم به بعد بود که شیطان به صورت فرماندهی کل خیل لشکریان شرّ و بدسرشتی ظاهر گردید. بنابراین بدعت‌گذاری نیز وسیله‌ی کار شیطان است، پس در نتیجه مسیحیت و کلیسا با قدرت تمام مشّت گره‌خورده‌ی خود را به



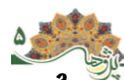
این دشمن نوع بشر نشان می‌دهد و آن همان دستگاه تفتیش عقاید یا انکیزیسیون بود که برای کلیسا مانند شمشیری در راه مبارزه با شیطان صیقل داده می‌شد. (لوگوف، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹) محاکم تفتیش عقاید کلیسا تقریباً در تمام اروپا جز انگلستان مسقر شدند. (تستا، ۱۳۷۹، ص ۲۵) نقش محکمه‌ی تفتیش عقاید در جامعه‌ی مسیحی نظیر نقش جنگ‌های صلیبی در خارج از این جامعه بود. (همان، ص ۱۶۵) البته باید گفت که مبارزه غرب و جنگ کلیسای کاتولیک با بدعت‌گذاران و شیطان تنها بهانه‌ای در پشت پرده بود تا به وسیله‌ی آن‌ها جریان انکیزیسیون فعالیت خود را داشته باشد.<sup>۱</sup> پس در حقیقت به دنبال اهداف و نتایج دیگری بود. در تحقیق حاضر ابتدا برای روشن شدن بحث و رفع ابهام موضوع ماهیت و چیستی دستگاه تفتیش افکار تبیین شده و سپس به واکاوی کارکرد انکیزیسیون در اروپا پرداخته می‌شود.



## مفهوم‌شناسی انکیزیسیون (Inquisition)

انکیزیسیون (Inquisition) اصل کلمه‌ی انکیزیسیون در فرانسه و انگلیسی و آلمانی

۱. در حقیقت حوادث و تئوری‌های گذشته‌ی غربی که جز خشونت و تبااهی و انکیزیسیون برای بشریت ارمغانی نداشته است در حال تکرار شدن است، اما کاملاً تغییر چهره داده است. چهره‌ی جدید، نقاب حقوق بشر زده است و سعی دارد تا آن پیشینه را از اذهان بزدايد اما در حقیقت در کنه خویش همان تئوری‌های قرون وسطایی است که در دوران مدرنیته پدیده‌های چون تروریسم و جنگ را به ارمغان آورده است. (طاهری، سیده زهرا و زهرا همه‌زاده، مقاله‌ی تفتیش عقاید، ۱۳۹۵)



Inquisition نوشته می شود و از ریشه ی لاتینی Inquierere به معنای تحقیق و جست و جو است. (بازرگان، ۱۳۶۲، ص ۲۵) انگیزیسیون در فارسی تفتیش عقاید یا محاکم تفتیش عقیده ترجمه می شود. (همان)

تفتیش عقاید، باورپرسی یا باورکاوی که به معنی بازرسی و جست و جو در باورهای افراد است، به اعمالی گفته می شود که یک موضع صاحب قدرت، مردم را به دلیل باورهایی که دارند، بازخواست می کند. مشهورترین آن، تفتیش عقاید در اروپای مسیحی است. این نام از دوران قرون وسطی به یادگار مانده است و در برابر آزادی بیان و آزادی عقیده یا آزادی اندیشه است. (طاهری، سیده زهرا و زهرا همه زاده، مقاله ی تفتیش عقاید، ۱۳۹۵)

### ماهیت انگیزیسیون

ریشه های اولیه ی نهضت انگیزیسیون یا تفتیش عقاید را که در غالب کشورهای اروپا مخصوصاً فرانسه و ایتالیا و سپس اسپانیا از سوی مؤمنین و دولتیان و کشیشان علیه ملحدین و منحرفین و معترضین به پا خواسته بود باید در سال هزار میلادی جست و جو کرد. ولی حالت عام و علنی آن و آغاز توسعه و اقدامات رسمی و وسیع ضد الحادی در اواخر قرن ۱۲ و ابتدای قرن ۱۳ است. (بازرگان، ۱۳۶۲، صص ۲۹ و ۳۰)

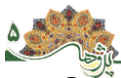
بنابراین تعیین تاریخ مشخص، برای شروع فعالیت محاکم تفتیش عقاید حداقل برای آنچه انگیزیسیون نامیده می شود، مشکل است. (تستا، ۱۳۷۹، ص ۹)

انگیزیسیون یا تفتیش عقاید، به بیان دقیق تر، عبارت بود از هیأت های

داوری شامل روحانیون قدرتمند و کارگزاران آن‌ها به صورت بسیار مجهز که کلیسای کاتولیک می‌کوشید از طریق آن‌ها به یکپارچگی اندیشه و عمل دینی دست یابد و آن را حفظ کند. برای این منظور، کلیسا به کارگزاران خود، که مأموران تفتیش عقاید نامیده می‌شدند، اختیار داد که کسانی را که ممکن بود اعتقادات یا اعمال‌شان مغایر آموزه‌های کلیسا باشد بیابند. مردان و زنانی که با چنین اتهامی روبه‌رو می‌شدند زیر فشار قرار می‌گرفتند تا مجبور به اعتراف شوند. گاهی این فشار جنبه‌ی روانی داشت، اما در بسیاری موارد شکنجه‌ی شدید جسمانی بود. برخی از این فشارها جان به در می‌بردند و آزاد می‌شدند و برخی زندانی می‌شدند یا برای اعدام به مقامات کشوری تحویل داده می‌شدند. (بکراش، ۱۳۸۳، صص ۹ و ۱۰)

انکیزیسیون یا تفتیش عقاید موجودیتی یکسویه نداشت. صرفاً نوعی بازجویی، نوعی دادگاه، یا اتاق شکنجه نبود، هرچند غالباً تمام این عناصر را در خود داشت. (بکراش، ۱۳۸۳، ص ۹) صلاحیت‌های قضایی بازرسان دستگاه تفتیش عقاید شامل کفرگویی، خرید و فروش مقامات کلیسا، تجاوز جنسی، دلالی محبت، نقض مقررات کلیسا در مورد روزه گرفتن است و طبق قوانین این دستگاه هیچ کتابی نباید بدون اجازه و دخالت کلیسا به چاپ برسد. (دورانت، ۱۳۹۱، ص ۵۳۵)

دستگاه تفتیش افکار فشار فکری و ذهنی بود که در تاریخ نظیر نداشت و از اهدافش پاک کردن بدعت‌گذاران بود که بسیار موفق شد. (ویل دورانت، ۱۳۹۱، ص ۵۱۹) دستگاه تفتیش عقاید، تعقیب و اعدام



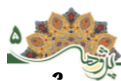
ملحدان را به استناد دستورات کتاب مقدس پیگیری می نمود. کلیسا ادعا داشت که عملش مطابق با نص صریح کتاب مقدس (تورات، انجیل) است.

در تورات دستور داده شده است که هرگاه شخصی خدایان دیگری را پرستش کند و ۳ نفر این موضوع را گواهی و تأیید کنند، مجازات آن شخص سنگسار شدن و مرگ است. (کتاب تورات، سفر تثنیه، باب هفدهم، آیه پنجم) در انجیل یوحنا نیز آمده است که: «اگر کسی در مذهب من نماند، مانند شاخه ای بریده، می خشکد و سرانجام در آتش سوخته می گردد.» (انجیل یوحنا، باب پانزدهم، آیه ششم)

در رم باستان نیز مجازات چنین جرمی، مرگ بود. در این مورد، قاضی شخص مظنون را احضار و درباره ی اتهام او تحقیق می کرد. بدین ترتیب تفتیش عقاید در قرون وسطی شکل گرفت. در قرن سیزدهم که بازار بدعت رواج یافت، کلیسا به تقلید از قوانین رمی، مقرر داشت که مجازات بدعت گذاران باید مرگ باشد.

پاپ اینو سان سوم، اعلام داشت که کسانی را که نسبت به کیش مسیح خیانت می ورزند تکفیر کرده و اموالشان را ضبط کنند، زیرا بی حرمتی نسبت به بارگاه الهی، جرمی است به مراتب بزرگتر از اهانت به مقام سلطنت. (ویل دورانت، ج ۱۲، ص ۲۸۴)

بنا به سنت دادگاه های رم باستان، در دادگاه های تفتیش عقاید، گرفتن اقرار به کمک شکنجه، مجاز بود. البته در اوایل کار محاکم انکیزیسیون از شکنجه استفاده نمی شد، اما از زمان دستیابی اینو سان



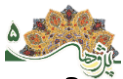
چهارم به مقام پایی (۱۲۵۲م)، استفاده از شکنجه نیز رواج یافت.

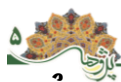
انواع شکنجه این محاکم عبارت بود از: شلاق زدن متهم، سوزاندن پاها، کشیدن دست و پا (جوارح) به وسیله طناب و چرخ و یا زندان مجرد در سیاه چال، اما باید گفت که به مرور زمان این شکنجه‌ها تنوعات بسیار زیادی پیدا کرد که در این تحقیق مجالی برای پرداختن به آن نیست.<sup>۱</sup>

توقیف اموال مقصر به عنوان جریمه‌ی اضافی نیز رواج داشت و غالباً بخشی از اموال او به حاکم محل و بخش دیگر به کلیسا تعلق می‌گرفت. افرادی که تا آخرین لحظه پایداری می‌کردند و با وجود شکنجه‌ی فراوان دست از عقیده‌ی خود نمی‌کشیدند، در میدان عمومی شهر بر روی تلی از هیزم به آتش کشیده می‌شدند. علت انجام این کار، پرهیز از ریختن خون بر طبق شعار قدیمی کلیسا بود. همچنین، اجازه داده شده بود که مقصرین را زنده در آتش بسوزانند.

بدین ترتیب، سازمان تفتیش عقاید با هم‌دستی سلطنت و کلیسا و پا به پای رشد و توسعه‌ی بدعت‌گذاران، گسترش یافت. عاملین انکیزیسیون هزاران انسان را به دلیل باورهایشان که ضاله شمرده می‌شد، به تل‌های هیزم سوزان، شمشیرهای آخته، ردیف‌های دار و سیاه چال‌های مرگبار سپردند. (ویل دورانت، بخش چهارم، اوج مسیحیت، صص ۲۹۳-۲۱۷؛ نوذری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۴)

۱. جهت مطالعه‌ی بیش‌تر در مورد انواع مجازات‌ها و شکنجه‌هایی که دادگاه تفتیش عقاید برای متهمان در نظر می‌گرفت، ر.ک: دבורا بکراش، تفتیش عقاید، صص ۴۹-۴۵ و ۹۶-۷۷.





فردریک دوم امپراتور آلمان، مقرر داشت که هر کس به گناه بدعت از جانب کلیسا محکوم شود، او را به حکومت محل تحویل دهند تا زنده در آتش سوزانده شود و تمامی اموال وی به نفع دولت ضبط گردد. البته، وارثان چنین بخت برگشته، از حق ارث محروم می شدند و حق تصدی مشاغل عالی را نداشتند، زمانی که گرگوار نهم به مقام پاپی دست یافت (۱۲۲۷م)، با تأیید و تصویب فردریک دوم، مقرر داشت که عده‌ای بازرس (انکیزاتور) تحت رهبری رهبانی از فرقه‌ی دومینیکن<sup>۱</sup>، مجلسی تشکیل داده و ملحدان را به محاکمه کشند و در صورتی که توبه نکنند و دست از عقاید خود برندارند، به مرگ محکوم شوند. (م - و - فرآل، انکیزیسیون، ۱۳۶۲، ص ۳۸۲)

در ۱۲۳۲ نیز پاپ گرگوریوس نهم علاوه بر انکیزیسیون اسقفی، یک انکیزیسیون دستگاه پاپی نیز ایجاد کرد که مرتدان را در سراسر دنیای مسیحیت به نام کلیسا و به نام پاپ محکوم می ساخت. دستگاه تفتیش عقاید بر اساس رویه‌ی جدید قضایی که دیگر در قالب تفتیش کردن و نه متهم کردن کار می کرد به بازجویی متهمان می پرداخت و هدف این بود که از آنان اقرار به گناه بگیرد. به این ترتیب بود که سنگ بنای اروپای اعتراف گذاشته شد. اما دیری نگذشت که اعتراف‌گیری با شکنجه‌ی متهم نیز همراه شد. از دوران قرون و سطای اولیه از شکنجه در موارد بسیار نادر استفاده می شد زیرا طبق رسومات عهد باستان

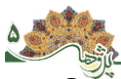
۱. کشیشان دومینیکن، در امر تبلیغات مذهبی فعالیت بسیاری می کردند. پیروان این فرقه در تحکیم دستگاه تفتیش عقاید سهم مؤثری داشتند (نوذری، ۱۳۷۷، صص ۲۱۱-۲۱۰).

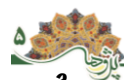
شکنجه فقط به بردگان محدود و منحصر بود. اما دستگاه انکیزیسیون شکنجه را دوباره احیاء کرد و آن را به زنان و مردان طبقات عادی و غیرروحانی تعمیم داد. سازمان تفتیش افکار تعداد قابل توجهی از بدعت‌گذاران، گرچه ناممکن در احصای دقیق را به مرگ با سوزاندن محکوم ساخت. اعدام بدعت‌گذاران محکوم دادگاه‌های دستگاه تفتیش، به کارگیری گاه به گاه زور و خشونت را جزء بازوی این دنیایی کلیسا قرار داد. (لوگوف، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰)

بدین ترتیب، می‌توان گفت که دستگاه انکیزیسیون رسماً از تاریخ ۱۲۲۷ میلادی تشکیل شده و شروع به کار کرد. بعدها، عده‌ی زیادی از بازپرسان به اطراف و اکناف فرستاده شدند تا به تعقیب ملحدان بپردازند. عده‌ی راهبان فرقه‌ی دومینیکن در مجلس انکیزیسیون، به اندازه‌ی زیاد بود که عوام از راه شوخی و با تحریف نام دومینیکن آنان را دومی.نی.کن یعنی سگان شکاری خدا می‌خواندند.

حیطه‌ی صلاحیت این بازپرسان، به عیسویان محدود می‌شد و یهودیان و مسلمانان به این گونه محاکم احضار نمی‌شدند، مگر این‌که به کیش مسیح درآمده و سپس پشیمان گردیده و به آیین نیاکان خود بازمی‌گشتند. برای صدور حکم محکومیت متهم، حضور دو تن شاهد ضروری بود. یکی از بازپرسان این دادگاه به نام روبردومینیکان، در سال ۱۲۲۹ میلادی در یک روز، حکم سوزاندن ۱۸۰ نفر را صادر کرد.

در سال ۱۳۳۱ میلادی، بنا به دستور پاپ، چندین شهر را ویران و تعداد زیادی از آلبی ژواها را قتل عام کردند. محاکم تفتیش عقاید در





اسپانیا (در سال ۱۴۸۰) توسط فردیناند و ایزابلا آغاز به کار کردند و در ششم فوریه سال ۱۴۸۱ میلادی، شش زن و مرد را زنده در آتش سوزانده و تا چهارم نوامبر همان سال، ۲۹۸ تن را طعمه‌ی حریق کردند و ۷۹ نفر را به حبس ابد محکوم ساختند.

در سال ۱۴۸۳ میلادی، بنا به تقاضای فردیناند و ایزابلا، پاپ سکتیوس چهارم یک راهب دومینیکن به نام توماس دوتوکمار را به ریاست سازمان تفتیش عقاید در تمام اسپانیا برگمارد. این راهب، بسیاری از تبرئه‌شدگان را مجدداً به محاکمه خواند و کار را به جایی رسانید که پاپ الکساندر ششم در سال ۱۴۹۴ میلادی، طی فرمانی دو مفتش را برای کار با وی مأمور ساخت.

با تمام این احوال، دوتوکمار در استان والنسیا، ۹۸۳ نفر را به جرم الحاد محکوم کرد و صدها تن را طعمه‌ی آتش ساخت و بسیاری از اموال مردم را مصادره کرد. دادگاه‌های تفتیش عقاید از سال ۱۴۸۰ تا ۱۴۸۸ میلادی، بیش از ۸۸۰۰ تن را سوزاندند و ۹۶۴۹۶ تن را محکوم به مجازات‌های دیگر کردند. (م — و — فرآل، انکیزیسیون، ۱۳۶۲، ص ۳۸۲؛ نوذری، ۱۳۷۷، صص ۲۰۵ و ۲۰۶)

بنابراین در یک نگاه کلی باید گفت که دستگاه تفتیش افکار در میان مردمی که اعتقادات مذهبی آن‌ها تحت تأثیر تعلیم و تربیت بر کنار مانده بود سریع‌تر گسترش می‌یافت. غرض و هدف دستگاه تفتیش افکار این بود که مسیحیان کهنه و نو را بترساند و حداقل به رعایت ظواهر دین وادار سازد و بدعت‌گذاران را شناسایی کند.

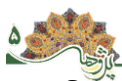
از همه می‌خواست که با معرفی بدعت‌گذاران شامل هدایایی شوند و یا اگر بدعت‌گذاری خود را معرفی می‌کرد وی را با جریمه یا کناره گرفتن از گناهِش می‌بخشیدند ولی اگر بدعت‌گذار دیگری را معرفی می‌کرد آزاد می‌شد و کیفری که برای بدعت‌گذارانی که دیگر بدعت‌گذاران را معرفی نمی‌کرد، در نظر گرفته شده بود بسیار سخت و گاهی مرگ و زنده سوزاندن بود.

این دستگاه فقط مدعی و دادرس نبود بلکه احکام اخلاقی را نیز منتشر می‌کرد و مخالف تجمل و خوش‌گذرانی بود. روز به روز تکالیف این دستگاه سخت‌تر می‌شد این دستگاه به تبعید افراد رو کرده بود. در این اوضاع پاپ‌ها بسیار شاکی بودند و تلاش می‌کردند تا جلوی پیشرفت دستگاه تفتیش افکار را بگیرند. آن‌ها اعلام کرده بودند که مأموران این دستگاه بیش از آن‌که دلسوز دین و مذهب باشند، شیفته‌ی طلا و پول هستند و همچنین اعلام کرده بودند که هیچ مفتشی نباید بدون حضور و موافقت نماینده‌ی اسقف محلی دست به کار تفتیش عقاید بزند.<sup>۱</sup>

تجام یهودیان تعمیدنیاخته از خرد و کلان باید اسپانیا را ترک می‌کردند و دیگر باز نمی‌گشتند. به همین دلیل نزدیک به پنجاه هزار نفر

---

۱. پاپ، طی نامه‌ای اعلام داشت که مأموران تفتیش عقاید، نباید بدون حضور و موافقت نماینده‌ی اسقف محلی، دست به کار تفتیش زنند. اما فردیناند، از اجرای این فرمان سرپیچی کرد و دستور داد تا مأمورین تفتیش عقاید، به روال پیشین به کار خویش ادامه دهند. (فشاهی، ۱۳۵۶، ص ۹۷)

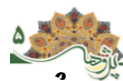


از یهودیان قبول مسیحیت کردند و اسپانیا سایر افراد را اخراج کرد و در شرایطی طبق دستورات دستگاه تفتیش افکار عمل می‌کردند. این کار را تا جایی ادامه داد که در شرایط قرون وسطایی ماند در حالی که اروپا بر اثر انقلاب فکری و دینی به سوی تجدید می‌شتافت. (دورانت، ۱۳۹۱، صص ۵۱۸-۵۱۹) همان‌طور که در قبل گفته شد هرچند که دستگاه تفتیش عقاید در سرتاسر اروپا به جز انگلستان موجودیت داشت اما سرانجام نتوانست برای همیشه پایدار بماند.

### کارکرد مادی و معنوی انکیزیسیون

نظام پاپی و کلیسا در دوران عمر خود با بحران و چالش‌های بسیاری روبه‌رو بوده است و همیشه به دنبال راه برون‌رفت از آن بود. جریان انکیزیسیون و دستگاه تفتیش عقاید، شکنجه و اعدام به جرم بدعت‌گذاری برای کلیسا به عنوان یک راه‌حلی برای مقابله با بحران فرهنگی و دینی به شمار می‌رفت تا به اجبار و زور مردم را با تعالیم خود هم‌نوا کند.

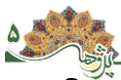
بنابراین محاکم تفتیش عقاید بهترین ابزار کلیسا برای مبارزه با امپراتور و دانشمندان و ساحران و مرتدین و قرائیون و مسلمانان و فرقه‌های متعدد دینی، عصیان‌ها و بدعت‌گذاری‌هایی که ماهیت ضد دینی داشت به حساب می‌آمد که در ادامه به کارکرد مادی و معنوی آن می‌پردازیم.



## انکیزیسیون نماد مظلوم‌نمایی یهود در تاریخ

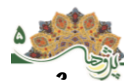
نمونه‌ی دیگر مظلوم‌نمایی تاریخی یهود، افسانه‌ی کشتار یهودی‌ها در قرون وسطی از طریق دستگاه تفتیش عقاید یا انکیزیسیون بود که در ربع آخر قرن پانزدهم در اسپانیا به وسیله‌ی فردیناند پنجم و ایزابل در زمان پاپ سیکستوس چهارم دایر گردید. (مصاحب، ۱۳۸۱، ص ۶۵۰)

برخلاف همه‌ی ادعاها و تبلیغات منابع مختلف تاریخی، یهودی و غربی، حول محور مظلومیت یهود در آن دوران، امروز ثابت شده است که نه تنها یهودی‌ها، مورد ظلم و ستم واقع نشده بودند، بلکه بعضی رهبران ذی نفوذ و اشرافیت قدرتمند یهود در ایجاد دستگاه مزبور نقش اساسی و هدفمند ایفا کردند. بعضی محققان و مورخان درباره‌ی نقش مرموز یهودی‌ها در ایجاد و هدایت دادگاه‌های تفتیش عقاید نوشته‌اند: «این یهودیان به ظاهر مسیحی (مارانو‌ها) بودند که با تحریک خود، کلیسای رم را به ایجاد دستگاه انکیزیسیون واداشتند. طراح و معمار انکیزیسیون یک کشیش یهودی‌الاصل به نام آلفونسو اسپینا بود که با همدستی آلفونسو اوروپزا، رئیس طریقت سن جروم که او هم یهودی‌الاصل بود، فعالیت شدیدی علیه مسلمانان شهر مادرید شروع کرد (در آن زمان اکثر سکنه مادرید مسلمان بودند). و بالاخره در اثر



---

۱. مارانو (Marrano) به معنای خوک و انسان حریص است. این واژه رواج کامل دارد و در منابع یهودی نیز، بدون توجه به معنای منفی آن به کار می‌رود. (شهبازی، ۱۳۷۷، ص ۵۲)



فعالیت این دو نفر و سایر یهودیان مقتدری که دربار ایزابل و فردیناند را در کنترل کامل خود داشتند، پاپ سیکستوس چهارم در نوامبر ۱۴۷۸ میلادی مجوز تأسیس محکمه‌ی تفتیش عقاید را صادر کرد. هدف، ریشه‌کن کردن کامل اسلام از شبه‌جزیره‌ی ایبری بود. جالب این‌که پاپ سیکستوس چهارم از جمله پاپ‌هایی است که با یهودیان رابطه‌ی حسنه داشت. پس از صدور فرمان پاپ، در سال ۱۴۸۶ آلفونسودلا کاوالریا، از خاندان یهودی لاوی (لوی) وزیر مقتدر فردیناند، محکمه‌ی تفتیش عقاید را در بارسلونا برپا کرد.» (شهبازی، ۱۳۸۱، ص ۴۶۶)

بر این اساس، بنیان‌گذار، مجری، حامی و کنترل‌کننده‌ی دستگاه تفتیش عقاید، اشرافیت یهود بود که آثار سوء و ننگ آن به حساب مسیحیت کاتولیک نوشته و به یادگار گذاشته شد و قربانی اصلی آن نیز مسلمانان شبه‌جزیره‌ی ایبری بودند: «از آن پس، انکیزیسیون یک نهاد رسمی کلیسایی تلقی می‌شد که مشروعیت خود را از پاپ می‌گرفت و بدنامی آن نیز به نام کلیسای رم تمام می‌شد ولی در عمل در خدمت اهداف غارتگرانه بود. توماس تورکویه مدا، دادستان کل انکیزیسیون در سراسر اسپانیا و دیه‌گودزا، دادستان بعدی، هر دو یهودی‌الاصل بودند.» (همان)

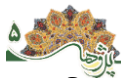
اسناد و یافته‌های متقن تحقیقی به خوبی اثبات می‌کنند که موضوع دادگاه‌های تفتیش عقاید یا انکیزیسیون در قرون وسطی که از آن به عنوان قرون سیاه و تاریک نیز یاد می‌کنند، افسانه‌ی ساخته و پرداخته‌ی یهودی‌ها بوده است. آن‌ها در پوشش این داستان، از آن زمان تاکنون، با

ادعای مظلومیت یهود نه فقط باعث تحریف تاریخ و فریب بسیاری از مورخان و نویسندگان شده‌اند بلکه به اشکال مختلف از قبل این افسانه‌ی ساختگی در راستای مطامع خود بهره‌برداری کرده‌اند.

بر طبق یافته‌ها و داده‌های مورد نظر، نه تنها یهودی‌ها در پس پرده‌ی این رویداد اسرارآمیز قرار داشتند، بلکه قربانی واقعی و اصلی این ماجرا نیز مسلمانان مظلوم بودند که کم‌تر در منابع و متون تاریخی به این واقعیت اشاره یا توجه شده است:

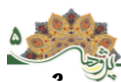
«شمار کلیه‌ی کسانی که در محاکم تفتیش عقاید اسپانیا به قتل رسیدند، در بیش‌ترین برآوردها ۳۱/۹۱۲ نفر ذکر شده است. برخی محققین این رقم را گزافه می‌دانند و تعداد قربانیان را طی سال‌های ۱۴۸۰-۱۷۵۸م. یعنی در یک دوره‌ی طولانی ۲۷۸ ساله، تنها چهار هزار نفر ذکر می‌کنند. دایرة‌المعارف یهود تعداد کل مقتولین به دست محاکم تفتیش عقاید اسپانیا را از آغاز تا سال ۱۸۰۸، ۳۱/۹۱۲ نفر (بالاترین رقم) ذکر کرده است.» (شهبازی، ۱۳۷۷، ص ۶۲)

اسناد و یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که از میان قربانیان مورد اشاره، نسبت یهودی‌ها در مقایسه با مسلمانان بسیار اندک و ناچیز بوده و به علاوه آن تعداد اندک نیز به دلیل مخالفت با اشرافیت یهود قربانی برتری‌جویی و فزون‌خواهی آن‌ها شده‌اند. «اگر شمار قربانیان مسلمان و یهودی را به همان نسبت جمعیت مسلمانان و یهودیان شبه‌جزیره‌ی ایبری بدانیم و رقم مسلمانان را کم‌ترین رقم (سه میلیون نفر) و یهودیان را بیش‌ترین رقم (۳۳۰ هزار نفر) محاسبه کنیم؛ نسبت قربانیان یهودی و



مسلمان انکیزیسیون یک به ده است. این روش علمی نیست؛ زیرا هم نسبت مسلمانان بسیار بیش تر بود (برای نمونه، شهر غرناطه در زمان سقوط ۵۰۰ هزار نفر جمعیت داشت که تنها ۲۰ هزار نفر شان یهودی بودند. این انبوه ترین یا از انبوه ترین جوامع یهودی شبه جزیره ایبری در آن زمان است) و هم به گمان ما، تنها آن یهودیانی مورد پیگرد انکیزیسیون قرار گرفتند که در زمره ی مخالفین الیگارشی یهودی جای داشتند.» (همان، ص ۶۳)

با این حال، «قتل سه چهار هزار نفر در فاصله قریب به سه سده در تاریخ نگاری رسمی غرب جایگاهی عظیم دارد. در مقابل، سه میلیون مسلمان بومی اسپانیا به دلیل ستم حکمرانان آلمانی تبار و همدستان یهودی شان مجبور به ترک سرزمین آباء و اجدادی خود می شوند، ده ها هزار تن از ایشان به قتل می رسند و تعدادی در محاکم تفتیش عقاید به آتش کشیده می شوند. [...] و این همه هیچ انعکاسی ندارد.» با توجه به آنچه گفته شد، نه تنها یهودی ها در طی این دوران مورد ستم و ظلم واقع نشده بودند بلکه اشرافیت یهود بر اثر نفوذ مرموزانه و قدرت پس پرده، نقش اساسی در قتل عام و اخراج میلیون ها مسلمان از اسپانیا داشت. شگرد تبلیغاتی مبتنی بر ادعای مظلومیت قوم، اگرچه شیوه ای کهن در تاریخ یهود بود، لیکن به دوران قدیم منحصر نبوده و در سده های اخیر و تا دوران کنونی نیز ادامه داشته است. (همان، ص ۶۳؛ تقی پور، ۱۳۸۵، صص ۲۷-۳۱)

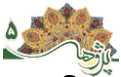


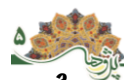
## مبارزه با اسلام و قتل عام مسلمانان در اسپانیا و پرتغال

مماشات تمام عیاری که مسلمانان در طول حاکمیت خویش بر اسپانیا از خود نشان دادند، بی‌تردید زمینه‌ساز هماهنگی همه‌جانبه‌ای گردید که بین جوامع گوناگون مذهبی؛ یهودی، مسیحی و مسلمان حاکم بود. صرف‌نظر از آشوب‌های پراکنده‌ای که از عوام‌الناس مشهود گردید و همگی نیز علل و انگیزه‌ی اقتصادی و مالیات‌ستانی - نه انگیزه‌ی مذهبی یا تبعیض نژادی - داشت. سایه‌ی صلحی تمام عیار همچنان بر این سرزمین گسترده بود که این اوضاع سعادت‌آمیز سرانجام نتوانست برای همیشه تداوم پیدا کند. (مارتینلی، ۱۳۷۷، ص ۱۱)

زیرا موج اختناق ضد الحادی اسپانیا را فرا گرفت. سیاست مبتنی بر خونریزی و شکنجه راه خود را گشود و دادگاه‌های تفتیش عقاید با فتوای پاپ و قدرت سلطنت برای برافکندن اسلام و مسلمانان، کار خود را آغاز کرد. کار اصلی این دادگاه‌ها، حفاظت از اقتدار پاپ و مسیحیت کاتولیک و سرکوب مخالفان عقیدتی بود. بیش‌تر قربانیان آن در آغاز مسلمانان و گاه یهودیان و سپس پروتستان‌ها بودند. (عنان، ج ۵، ص ۲۹۶؛ یزدی و امیرلو، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳)

همچنین اوج سختگیری و تلاش‌های مبارزانه‌ی دستگاه تفتیش عقاید پاپی منجر به سقوط غرناطه گردید و مسلمانان آن خطه در وضع بدتری قرار گرفتند. از آن پس، اسپانیای مسیحی تا جایی که توانست برای از هم گسستن مسلمانان و آسیب رساندن بر جهان اسلام کوشید. مسیحیان پیروز اسپانیا دست به شکنجه و آزار و تفتیش عقاید گروه‌های





میلیونی مسلمانان زدند و در فاصله میان سقوط غرناطه و نخستین دهه‌ی سده‌ی هفدهم میلادی در حدود سه میلیون مسلمان را از وطن آواره کردند یا کشتند. (حائری، ۱۳۷۴، ص ۵۳)

همان‌گونه که در گذشته تبیین شد با توجه به حکمرانانی که انکیزیسیون را بنا نهادند و پیوند ایشان با زرسالاران یهودی؛ بنیان‌گذاران و گردانندگان انکیزیسیون؛ قربانیان انکیزیسیون به روشنی این سه نکته به خوبی نشان می‌دهد که انکیزیسیون اسپانیا و پرتغال به طور عمده با هدف ریشه‌کن ساختن اسلام در شبه‌جزیره‌ی ایبری ایجاد شد، بانیان آن زرسالاران یهودی و قربانیان آن به طور عمده مسلمانان بودند. (شهبازی، ۱۳۷۷، صص ۵۴-۵۳)

نویسندگان تاریخ اروپا بیش‌تر بر مسئله‌ی شکنجه و آزار یهودیان در روند تکاپوهای دستگاه بازجویی عقاید اسپانیا پای می‌فشارند. در سال‌های واپسین، حتی کانون‌های علمی و آموزشی کشور اسرائیل در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده است. برای مثال، دانشگاه عبری اورشلیم به پژوهشگری به نام حیم بینارت کمک‌هزینه‌ای درخور داد تا پیرامون موضوع به پژوهشی گسترده پردازد. ثمره‌ی کار بینارت چهار جلد کتاب ستبر است. (حائری، ۱۳۷۴، ص ۵۳؛ شهبازی، ۱۳۷۷، ص ۶۵)

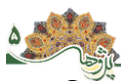
نظام اشرافی اسپانیای مسیحی دارای سنن خاص خود و پیوندهای جدی با کلیسای کاتولیک رم بود. این عوامل طبعاً برخورداری از مناصب و امتیازات اشرافی را برای یهودیان محدود می‌ساخت. لذا، گروهی از آنان برای رشد در هرم سیاسی و برخورداری از امتیازات

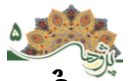
بیش‌تر و گسترده‌تر در ظاهر به مسیحیت می‌گروید و ولی در عمل یهودی می‌مانند. این موج سلطه‌ی تام و تمام بر دولت‌های مسیحی به تدریج گسترش یافت و در میان مردم فرودست تعارض‌هایی را با این گروه از «نوکیشان»، که به مارانو شهرت یافتند، برانگیخت.

مردم مارانو‌ها را متهم می‌کردند که در خفا یهودی مانده‌اند و «نوکیشی» ایشان تنها پوششی است برای «خیانت، دغل‌کاری و اخاذی». تاریخ یهود اذعان دارد که بسیاری از این نوکیشان، یهودیان مخفی بودند و دایرةالمعارف یهود می‌نویسد: «بخش مهمی از مارانو‌ها یهودیان مخفی بودند و به شدت وفادار به یهودیت.» در تاریخ‌نگاری یهود، تعارض میان مسیحیان و مارانو‌ها به شدت برجسته می‌شود و این امر علت پیدایش دستگاه انکیزیسیون عنوان می‌گردد.

مورخین دانشگاه عبری اورشلیم می‌نویسند «محافل مسیحی به ناگاه متوجه شدند که یهودیان مسیحی شده، که اکنون از حقوق برابر با آن‌ها برخوردار بودند، به درون تمامی مشاغل و جایگاه‌های اجتماعی، که قبلاً نمی‌توانستند به عنوان یهودی به آن دست یابند، نفوذ می‌کنند. «آنان مشکوک شدند که این «نوکیشان» مسیحیت را تنها به عنوان یک پوشش برای نفوذ خود برگزیده‌اند و در خفا یهودی هستند. بدین‌سان بود که تهدید «نوکیشان» جدی تلقی شد و برای مقابله با آن دستگاه انکیزیسیون به پا شد.

در تاریخ‌نگاری معاصر، مضمون فوق رواج کامل یافته و درباره‌ی فشار دستگاه انکیزیسیون بر مارانو‌های اسپانیا و پرتغال





افسانه پردازی های فراوان صورت گرفته؛ تا بدان جا که علت واقعی تأسیس انکیزیسیون و کارکرد اصلی آن به فراموشی کامل سپرده شده است. برای نمونه، دایرةالمعارف آمریکانا علت تأسیس انکیزیسیون اسپانیا و پرتغال را «ریشه کن ساختن یهودیان مخفی از میان نوکیه شان مسیحی» ذکر می کند. واقعیت چنین نیست. قربانیان انکیزیسیون به طور عمدۀ مسلمانان بودند. «یهودیانی» که در این ماجرا جان باختند نیز مخالفین الیگارشی یهودی بودند؛ قرائیون و گروهی که «مرتدین یهودی» نام دارند.<sup>۱</sup> در یک سرقت بزرگ تاریخی مظلومیت آنان در کارنامه زرسالاری یهودی به ثبت رسیده است. این از بزرگ ترین فجایع تاریخ نگاری رسمی غرب است. (شهبازی، ۱۳۷۷، صص ۵۳-۵۲)

### سلاح قدرت کلیسای کاتولیک

در سده ی دوازدهم اعتقاد بر این بود که تنها یکپارچگی در امور دینی می تواند صلح و امنیت را در جامعه ی اروپایی تضمین نماید؛ از این رو کلیسای کاتولیک دستگاه تفتیش عقاید را برپا کرد و از آن به عنوان سلاحی برای مقابله با تهدیدهایی که قدرت سیاسی و معنوی کلیسا را تهدید می کرد، استفاده نمود. کلیسای کاتولیک معتقد بود که همه چیز باید تابع اصل اساسی حفظ عقیده و ایمان مذهبی قرار گیرد.

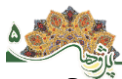
۱. در زمان تأسیس انکیزیسیون، الیگارشی یهود با دو تهدید جدی در درون جامعه ی یهودی اسپانیا مواجه بود: «مرتدین» و «قرائیون» (جهت مطالعه ی بیش تر رک: عبدالله شهبازی، زرسالاران یهودی و حکمرانان اروپا، صص ۵۵-۵۹)

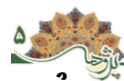
حتی اگر نتوان ایمان و عقیده را از راه بحث و استدلال و متقاعد کردن اشخاص به وجود آورد و حفظ نمود باید با تو سل به زور و خشونت به چنین هدفی رسید. (ابراهیم باوفا و کبری شیخی، مقاله‌ی اوضاع اجتماعی، مذهبی و علمی اروپا در قرون وسطی، ۱۳۹۱) بنابراین مسیحیت و پاپ‌ها، اقتدار و بقاء و نیز گسترش خود را در قرون وسطی مدیون خشونت و جنگ و دادگاه‌های تفتیش عقاید بودند. (یزدی و امیرلو، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳)

### مبارزه با تنوع و تکثر اندیشه‌ها

در اواخر قرون و سطر، دوره‌ای بود که در آن دانشگاه‌ها و مدارس اروپایی، رشد و گسترش بیش‌تری یافتند. یکی از نتایج اجتناب‌ناپذیر این مراکز علمی، تعدد و تکثر اندیشه‌ها بود. از سوی دیگر، این تفکرات نوظهور در برخی باورهای اساسی و بن‌مایه با هم اختلاف شدید داشتند. این اختلافات و افتراقات، زیر لوای کلیسای کاتولیک قابل تحمل نبود. اما پاپ‌ها، نه تمایلی به ارائه‌ی آموزه‌های صحیح برای رفع بحران و نه توانایی انجام چنین کاری را داشتند. نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر این موضوع، چیزی جز حیرت و شکاف نبود. (مک‌گراث، ۱۳۸۴، صص ۳۲-۳۴)

جالب‌تر این‌که اگر گروه‌ها یا اندیشه‌های مسیحی هم تمایل داشتند به یکدیگر نزدیک شوند تا فاصله‌ها کم‌تر شود، از سوی کلیسای کاتولیک متهم به ارتداد جدید می‌شدند. برای نمونه، تشکیل دو





کنفرانس بین ارتدوکس ها و پروتستان ها در سال ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷، با عنوان های «زندگی و کار» و «ایمان و نظم» به قصد تقریب برگزار شد. اما کلیسای کاتولیک، نه تنها در آن حضور نیافت، بلکه پاپ پیوس یازدهم، کاتولیک ها را از حضور در آن منع کرد و آن را نوعی ارتداد جدید ضد مسیحی عنوان کرد (رضا قزی، مقاله ی بررسی چالش های الهیات مسیحی در مدیریت بحران شورای واتیکانی دوم، ۱۳۹۷).

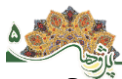
تفتیش عقاید، بازرسی و تفحص در باورهای افراد، از یادگارهای کلیسای کاتولیک در دوران قرون وسطی است که مخالف آزادی بیان و آزادی عقیده، یا آزادی اندیشه است. این عمل توسط دستگاه کلیسا انجام می شد. متهمان بسیاری در دادگاه های تفتیش عقائد متهم به ارتداد، شرک و جادوگری می شدند. این افراد، ابتدا محکوم به تحمل شکنجه و سرانجام، به صورت های بسیار غیرانسانی اعدام می شدند. (همان)

بنابراین انگیزیسیون با هواداران مذهب پروتستان لوتری نیز مبارزه می کرد. از جمله آن ایجاد فهرست پایی برای کنترل افکار بود. قصد از «فهرست» جلوگیری از رسیدن کتاب های خطرناک، به ویژه نوشته های پروتستان ها یا حاوی مضامین ضدروحانی به دست مردم بود. دستگاه تفتیش عقاید در رم، یا «اداره ی مقدس»، گروهی از سانسورچی ها را به وجود آورد که وظیفه شان این بود که تعیین کنند کدام نوشته ها در رده ی خطرناک قرار می گیرند. (بکراش، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴)

این مطالب در «فهرست پایی» جا داده می شد. در سال ۱۵۷۱ پاپ پیوس پنجم «مجمع فهرست» را به وجود آورد که اداره‌ی جداگانه‌ای برای نظارت بر فهرست بود. با وجود این، طی قرن‌ها دستگاه تفتیش عقاید مراقب انتشار مطالب ضالّه و خرابکارانه بود. هزاران کتاب در فهرست پایی قرار داده شد. آثار مؤلفانی چون اراسموس، ساوونارولا، ماکیاولی و بوکاچیو ممنوع شد. بخش‌هایی از آثار مؤلفان دیگری چون دانته به ویژه سانسور شد، و بعضی قسمت‌های مشکل‌آفرین باید پیش از انتشار حذف می شد، اگرچه گاهی به طور خصوصی دست به دست می گشت. (همان، ص ۱۳۵)

آثار علمی به ویژه گرفتار سانسور بود. بیش‌تر آثار مردان بزرگی مانند کوپرنیک، کپلر و گالیله از طرف کلیسا محکوم شد و برای سال‌ها اجازه‌ی انتشار نیافت. نظارت بر عقاید به صورت موضوعی بسیار جدی ادامه پیدا کرد. دیگر کشورهای کاتولیک را که افراطی‌تر بوده و از به اصطلاح ملایمت و مدارای «فهرست پایی» ناخرسند بودند، فهرست‌های خودشان را از کتاب‌های ممنوعه تهیه کردند. (همان)

ادوارد برمان تاریخدان برجسته می‌نویسد: «اگر دستگاه تفتیش عقاید در موقعیتی بود که بتواند در سرتاسر اروپا یا حتی سرتاسر کشورهای کاتولیک، سانسوری را برقرار کند که به اندازه‌ی سانسور تحمیلی در اسپانیا مؤثر باشد، نابودی کتاب‌ها چنان قابل ملاحظه می‌بود که بین ادبیات قرن‌های مختلف گسست جدی ایجاد می شد.» (همان،

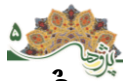


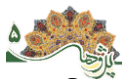
### مبارزه با عقاید علمی مدرن و پیشرفت علوم

دوران حکومت انکیزیسیون در اروپا را باید عصر اختناق علوم نام نهاد. چون در این دوران، فعالیت و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در علوم مشاهده نشد. زیرا احدی از ناحیه‌ی حکومت اجازه نداشت تا در علوم قدیم بررسی کند و به نتایج مثبت و روشن‌تری برسد. تاریخ این دوران از محاکمه و اعدام دانشمندانی که با نظریات فلاسفه قدیم مخالفت کرده و نظریات جدیدی اظهار داشته‌اند پر است. (کیانی، مقاله محکمه‌ی تفتیش عقائد یا «انکیزیسیون»، ۱۳۴۰)

بنابراین یکی از عوامل رکود و توقف علم در قرون وسطی فرمان مقدس کتاب‌سوزی و دانشمندسوزی بود. دادگاه‌های تفتیش عقاید پاپ در هر جایی، علاوه بر سانسور و تکفیر و اعدام نویسندگان، فهرستی نیز تنظیم نمود که خواندن و داشتن کتاب‌های مندرج در آن، بر مسیحیان ممنوع بود. اساس این رفتار، در قرون اولیه‌ی مسیحیت بنا شده بود. کلیسا، هر نوشته‌ای را که با تعالیم کلیسایی منافات داشت، محکوم به آتش کرد و برای تثبیت این دستورالعمل، منشورهایی از طرف امپراتورها صادر شد.

این شیوه در همه‌ی قرون وسطی همچنان برقرار بود و در اواخر قرن پانزدهم میلادی، دانشگاه «کالونی» مقرر نمود که کلیه کتاب‌ها، پیش از چاپ، کاملاً سانسور شوند. اقدام این دانشگاه توسط پاپ

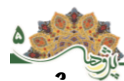




سیکستوس چهارم و پاپ اینوسان سوم مورد ستایش قرار گرفت. در دوره‌ی پاپ الکساندر ششم، پیدایش نهاد این دانشگاه در مجلس «لاترن» مطرح شد و در نهایت مقرر شد که اگر ناشری بدون کسب اجازه از دستگاه پاپ، کتابی چاپ کند، مجازات شود. فهرست کتاب‌های ممنوعه‌ی پاپ پل چهارم، برای نخستین بار در سال ۱۵۵۷ میلادی به چاپ رسید. این فهرست که نخستین کتاب‌های ممنوعه به شمار می‌آمد و در روم منتشر می‌شد، از سه فصل تشکیل شده بود. فصل اول مشتمل بر اسامی نویسندگانی بود که کتاب‌هایشان مورد سوء ظن کلیسا قرار گرفته بود. فصل دوم شامل عناوین این کتاب‌ها بود و فصل سوم بدون نام نویسنده مشخصاً به کتاب‌هایی اشاره کرده بود که در ممنوع بودن مطالعه‌ی آنها هیچ شکی نبود. این فهرست با تغییراتی اندک در سال ۱۵۶۱ میلادی دوباره به چاپ رسید و پس از آن نیز بارها تجدید چاپ شد. (یزدی و امیرلو، ۱۳۸۸، صص ۸۴-۸۳)

همچنین کلیسا در سراسر قرون وسطی با بهره‌گیری از «مکتب اسکولاستیک»<sup>۱</sup> تحول شگرفی را در راه به کارگیری تعقل<sup>۲</sup> ایفا کردند و

۱. مدارسی که وابسته به کلیسا بوده و برای یافتن راهی تازه و فرهنگی برای مقابله با امواج مخالف و ناسازگاری مختلف در برابر کلیسای مسیحی ایجاد شدند تا دانشمندان و متفکران در مورد مسائل مورد نظر کلیسا مطالعه و تحقیق کنند و هیچ‌گونه حقی نداشته که به مسائلی دیگر بپردازند. در این عصر، کم‌تر کسی را می‌توان یافت که به بدعت‌گذاری متهم و یا به سبب آن محکوم نشده باشد. (نوذری، ۱۳۷۷، صص ۲۱۸-۲۱۷)
۲. اولیای دین به صراحت اذعان می‌داشتند که ایمان بر عقل مقدم است. به عبارت دیگر برای



در اروپا سدّی نفوذناپذیر را در راه پیشرفت علم و دانش ایجاد کردند. (نوذری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۶) اما سرانجام چندین عوامل موجب تضعیف «اسکولاستیک» شد. در حقیقت پیدایی رنسانس و تأثیرات آن علت اصلی انحطاط فلسفه‌ی مدرسی بود. (همان، ص ۲۲۶)

در نهایت باید گفت که تفتیش عقاید و نفوذ آن به طور ناگهانی و در تاریخ معینی پایان نیافت. بلکه، در یک دوره‌ی بیش از یک قرن، رسمی‌ترین نهادهای تفتیش عقاید، نظیر زندان‌های آن و تحقیقاتش در مورد درست‌اندیشی دینی در جاهای مختلف، در نتیجه‌ی جنگ‌ها و عدم استفاده، قدرت ارباب خود را از دست دادند و به تدریج از میان رفتند.<sup>۱</sup> (بکراش، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷) به طور کلی، به رغم بقای برخی نهادهای محلی، انقلاب فرانسه در ویران کردن نهادهای فیزیکی دستگاه تفتیش عقاید نقش بسیار مهمی ایفا کرد. طی بیست و پنج سالی که سپاهیان فرانسه اروپا را درمی‌نوردیدند، زندان‌ها، آرشیوها، و ابزارآلات شکنجه از بین رفتند. از این رو، حتی در دوره‌ی ارتجاعی پس از سقوط ناپلئون، بازسازی دستگاه تفتیش عقاید به صورتی که قبلاً وجود داشت ناممکن بود. (همان، ص ۱۳۳)

---

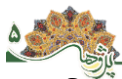
ایمان فهم لازم نیست، اول باید ایمان آورد و سپس درصدد فهم برآمد. چرا که تا ایمان نباشد فهم حاصل نمی‌شود. بنابراین، سعی می‌شد عقل خادم ایمان شده و علم را با احکام دینی سازگار کنند. (نوذری، ۱۳۷۷، ص ۲۱۹)

۱. جهت مطالعه‌ی بیش‌تر به بخش ششم بحث زوال تدریجی تفتیش عقاید: رک: دبورا بکراش، تفتیش عقاید، صص ۱۳۹-۱۲۷).

## جمع‌بندی

هرچند که انگیزیسئون برای حفظ منافع فئودالی و دو قدرت دنیوی (دولت) و قدرت کلیسا به وجود آمده بود و در ظاهر به هدف‌های خود که در حقیقت در تحقیق حاضر کارکرد مادی و معنوی انگیزیسئون در نظر گرفته شد دست یافت، اما هرگز موفق به ایجاد سدی در برابر افکار نو و انقلابی نشد. بنابراین دستگاه تفتیش عقاید، با وجود هفت قرن شکنجه، قتل و تلاش برای کنترل افکار، سرانجام نتوانست یکپارچگی عقیده را به وجود آورد. (بکراش، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷) تاریخ آن شکست نشان داد که ایمان و عقیده‌ی اجباری ناممکن است و تنها توانست برای اروپای غربی تجربه‌ای را شکل دهد.

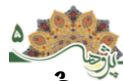
پس در نهایت نتایج انگیزیسئون را چنین می‌توان برشمرد: آئین کاتولیک، مجدداً در ایتالای جنوبی مستقر شد و تجزیه‌ی عیسویت مغرب زمین را تا سه قرن به تأخیر انداخت. رهبری فرهنگی اروپا از دست فرانسه خارج شد و در اختیار ایتالیا قرار گرفت. تفتیش عقاید در اسپانیا با تحصیل عواید یکی شمرده می‌شد. فرقه‌هایی نظامی مرکب از اشراف تشکیل شد. انگیزیسئون هرگز نتوانست که بر انگلستان استیلا یابد. در آلمان، بازار انگیزیسئون مدت کوتاهی بیش‌تر دوام نیاورد. (نوذری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۶)



۱. (vicente palacio Atard: Razum dela inguision. Madrid.1954. p.31) به نقل از

## فهرست منابع

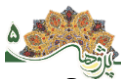
۱. بکراش، دبور (۱۳۸۳)، تفتیش عقاید، ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
۲. بازرگان، مهدی (۱۳۶۲)، گمراهان (حدیثی مفصل از قرون وسطای مسیحیت در ارتباط با سوره حمد)، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
۳. تستاء، گی؛ تستاء، ژان (۱۳۷۹)، تاریخ تفتیش عقاید، ترجمه‌ی غلامرضا افشار نادری، تهران: جامعه‌ی ایرانیان.
۴. تقی‌پور، محمدتقی (۱۳۸۵)، پس پرده‌ی هولو کاست، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۵. حائری، عبدالهادی (۱۳۷۴)، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، مشهد: جهاد دانشگاهی.
۶. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۱)، تاریخ تمدن عصر ایمان، جلد ۱۲، ابوالقاسم طاهری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۹۱)، تاریخ تمدن ویل دورانت، حسین کامیاب، محمد امین علیزاده، لیلا زارع، تهران: بهنود.
۸. شهبازی، عبدالله (۱۳۸۱)، بنیان‌های تاریخی اندیشه سیاسی یهود، پژوهشی صهیونیست، کتاب دوم، مرکز مطالعات فلسطین.
۹. شهبازی، عبدالله (۱۳۷۷)، زر سالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، جلد ۲، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.



۱۰. عنان، محمد عبدالله (۱۳۶۷-۱۳۶۶)، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، جلد ۵، عبدالمحمد آیتی، تهران: کیهان.
۱۱. فرآل، م. و (۱۳۶۲)، انگیزاسیون، لطفعلی بریمانی، تهران: گوتنبرگ.
۱۲. فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۶)، مقدمه‌ای بر سیر تفکر در قرون وسطی، تهران: گوتنبرگ.
۱۳. لوگوف، ژاک (۱۳۸۷)، اروپا، مولود قرون وسطی: بررسی تاریخی فرایند تکوین و تکامل اروپا در قرون و سطر ( سده‌های ۴ تا ۱۶ میلادی)، بهاءالدین بازرگانی گیلانی، تهران: کویر.
۱۴. مارتینلی، فرانکو (۱۳۷۷)، تاریخ تفتیش عقاید: تاریخ سفاکی‌ها، شکنجه‌ها، سادیس‌ها، ابراهیم صدقیانی، تهران: جهان رایانه امین.
۱۵. مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱)، دایرةالمعارف فارسی، جلد ۱، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
۱۶. مک‌گراث، آلیستر (۱۳۸۴)، درس‌نامه الهیات مسیحی، بهروز حدادی، قم: مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۷. نودری، عزت‌الله (۱۳۷۷)، اروپا در قرون وسطی، شیراز: نوید.
۱۸. یزدی، نرگس، امیرلو، معصومه (۱۳۸۸)، اسنادی تاریخی تقدیم به عالیجناب پاپ، تهران: طرح فردا.
19. vicente palacio Atard: Razum dela inguisicion, Madrid,1954.

## مقالات

۲۰. باوفا، ابراهیم؛ شیخی، کبری (۱۳۹۱)، او ضاع اجتماعی، مذهبی و علمی اروپا در قرون وسطی، پژوهش‌نامه‌ی تاریخ، سال هفتم،



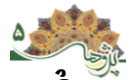
شماره‌ی ۲۶.

۲۱. قزی، رضا (۱۳۹۷)، بررسی چالش‌های الهیات مسیحی در مدیریت

بحران شورای واتیکانی دوم، معرفت ادیان، سال نهم، شماره‌ی ۳  
(پیاپی ۳۵).

۲۲. طاهری، زهرا؛ همه‌زاده، زهرا (۱۳۹۵)، تفتیش عقاید، اولین همایش  
ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، لرستان، دفتر  
تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان لرستان مؤسسه‌ی  
عدالت‌گستر بارکه افلاک.

۲۳. کیانی، علی (۱۳۴۰)، محکمه‌ی تفتیش عقائد یا انگیزسیون،  
درس‌هایی از مکتب اسلام، سال سوم، شماره‌ی ۱۰.



دوره مطالعاتی غرب‌شناسی یا رویکرد نمذنی

■ دفتر اول ■ پاییز ۱۳۹۹

